

دکتر محمد یگانه آرانی

فرانکفورت - آلمان

ما و فلسفه

نظر بعضی محققین و نویسندگان راجع بآثار من :

از یکی از استادان مصر - قاهره

« . . . شکی نیست که دارای فکرهای جدید و پسندیده و به سبک سلیس و روان هم نوشته شده است . »

از یکی از محققین هندوستان

« . . . از دیدگاه هندیها میتوانم بگویم شما واقعا شاعر عصر و عهدما هستید و نقیب و داعی احساسات درونی امروزه ای ، و در این مورد شاید از اقبال لاهوری چندگام جلوتر رفته اید . . . سروده شما نه تنها خواننده را به طرف هدف راهنمایی میکند بلکه از هر نوع مقم شعری و دستوری منزّه و پاکست . »

از یکی از نویسندگان عالیقدر ایران

« . . . رساله منظوم - آزادگان روح - . . . را میخوانم و بیت به بیت مضمضه (یا مزمره) میکنم و جلو میروم و برگوینده و فکر بلندش آفرین میگویم . »

از یکی از محققین ایرانی در اروپا

« یقین است که عین القضاة و جلال الدین شما را از خود
میشمرند »

از یکی از نویسندگان ایران

« از لطف بیان و نفس عرفانی شما لذت بردم »

از یکی از دانشجویان شرقشناسی ایرانی در آلمان

« در محضر استاد ارجمندمان پروفیسور نظرم بد و دفتر اشعارتان
جلب شد . استاد از اینکه افکار عرفانی بدیعی را مولوی وار برشته نظم کشیده اید
اشعارتان را بسیار ستودند و توصیه کردند آنها را بخوانم . من این دو دفتر را
از بدایت تا نهایت خواندم و نظر استاد را درباره اشعار نغز و روانتان مصیب
یافتم . برداشت شما با افق بازتری از عرفان ، تازگی دارد و بسیار جالب
است »

یکی از محققین هندوستان

« آنچه از مطالب آن کتاب استنباط نموده ام اینست که هنوز
اجتماع در کشور ایران از روی تکامل به آن سطح نرسیده است که افکار و
احساسات عمیق و دقیق شما را کاملاً درک نماید . اگر پیشرفت صنعتی همینطور
ادامه یابد که در حال حاضر است ، ایرانیان حتماً بزودی برای کتاب شما

ارزش قائل خواهند شد. یکی از دوستانم گفت کتاب ارزنده‌ایست ولی برای مبتدیان نیست، بلکه برای اجتماعیست که در پیشرفت مادی خیلی جلو افتاده باشد.

مستشرقی از اسرائیل

«... اشعار شما جذبه و شور خاصی دارد..... افکار فلسفی شما گرچه ممکن است مورد مخالفت عده‌ای باشد، در هر صورت جالبست و باید روی جنبه‌های مختلف آن تفحص کافی بعمل آید.»

از یکی از مستشرقین سوئیسی

«... در این شکی نیست که شما افکار مهمی دارید.....»

این جمله ترجمه شده است

تعبیر رؤیا

رؤیا، همیشه زیباتر از واقعیت است. زیبایی، رؤیای واقعیت است. رؤیا، بما جرأت می‌دهد تا بواقعیت تغییر شکل بدهیم. رؤیا، واقعیت را قابل و آماده تغییر میکند.

واقعیت دوست، جرأت تغییر دادنش کمتر از امکان تغییر واقعیت است.

رؤیا دوست، واقعیت را تغییر پذیرتر از آنچه قابل تغییر است، میداند.

طبیعت، هیچ زیبایی ندارد. انسان که رؤیا بین است، بسا رؤیاهایش،

طبیعت را در زیبایی می‌بیند، طبیعت را زیبا میکند، طبیعت را شبیه رؤیا

میکند. داستان زیبایی طبیعت، بنام افتادن در فریب خود است. خداوند

طبیعت را زشت خلق کرد ولی بانسان قدرت رؤیا بینی داد. انسان، آنچه

در رؤیاش از طبیعت می‌بیند ، در طبیعت منعکس می‌سازد ، طبیعت را رؤیا میکند ؟

واقعیت دوست ، با نفرت از رؤیا ، با موهوم پنداشتن رؤیا، از رؤیا دیدنش نمی‌کاهد ، بلکه می‌پندارد که رؤیائی ندارد . واقعیتی را که او دوست میدارد ، خود رؤیای اوست . واقعیت دوستی او ، از نفرت او ، از رؤیائی که دارد سرچشمه می‌گیرد . تعبیر رؤیا ، تغییر دنیا است .

امتیاز و تنهایی

چیزی که همه دارند ، امتیازی ندارد . تفکر در نو آفرینی ، در پی آنست که چیزی داشته باشد که کسی ندارد ، یا فقط عده محدودی میتوانند داشته باشند . امتیاز جوئی ، تفکر را مشغله برگزیدگان روحی کرده است . تا فکری رواج پیدا کند و عمومی شود ، احساس امتیاز او از بین میرود .

پر بودن از خود

موقعی کسی میتواند تنها باشد که چنان از خود پر است که در درون او، جا برای دیگران باقی نماند، و قتیکه درما ، جای خالی باقی نماند بدنبال همصحبتی با دیگران نمی‌رویم . و قتیکه خرد همیشه در خود ، حادثه و اتفاقی تازه دارد گلاویز با عاطفه‌ای دیگر است ، مگر فشار حل مشکلیست ، بحرانی نوین دارد ، جشنی تازه بر افکار نوین خود می‌گیرد ، احتیاج او باشخص و دنیای خارج می‌کاهد و دنیای خارج مزاحم او می‌باشد . او دنیای خارج را متفوق میدارد ، چون همیشه نظم او و دنیای درون او را مغشوش می‌سازد . موقعی کسی میتواند تنها بماند که يك دنیا در خود داشته باشد . لاقیدی و بی‌اعتنائی یا سردی او ، در ارتباط با اجتماع و افراد ، علامت بیماری روانی او نیست ، بلکه این سرشار بودن درون، جا برای دنیای خارج باقی نمی‌گذارد .